

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ مارچ ۲۰۲۰

کدام یک خود را ارزان فروخت: "دونالد ترمپ" و "یا غنی احمدزی"؟

۴

جمعه- ۲۳ حوت ۱۳۹۸ - کابل:

به ادامه گذشته:

در یادداشت روز گذشته یعنی ۲۲ حوت مختصراً اشاره نمودیم که امپریالیسم امریکا در آستانه حمله بر افغانستان طرح هائی در مورد افغانستان داشت که از جانب بازیگران همان زمان سیاست در افغانستان رد گردید، در این بخش همان موضوع را بازتر بیان می نمایم.

قبل از پرداختن به این موضوع می باید تذکار دهم که معلومات این قلم راجع به مسأله گذشته از شنیدگی های پراکنده قبلی از طیف های مختلف سیاستمداران کشور، اتکاء به صحبت "کریم خرم" وزیر اطلاعات و کلتور در زمان ریاست جمهوری "حامدکرزی" که بعد ها تا آخرین روز اقامت "کرزی" در ارگ، به حیث رئیس دفتر وی ایفای وظیفه نمود، می باشد. "کریم خرم" این مسأله را حین مصاحبه ای که به تاریخ ۲۲ حوت همین سال یعنی یک روز قبل با تلویزیون "طلوع" داشت نیز با اشاراتی مختصر بیان نمود. و اما اصل قضیه:

نوشتیم که امپریالیسم امریکا در آستانه حمله بر افغانستان، طرح سه قسمت ساختن افغانستان را داشت. این طرح با آغاز حملات اشغالگرانه و نجات طالب به وسیله پاکستان، مدتی به فراموشی سپرده شد، مگر بعد ها یعنی زمانی که طالب مجدداً حضور نظامی اش را در داخل افغانستان با برخورداری از کمکهای نظامی همه جانبه پاکستان و رقبای منطقه ئی و جهانی امپریالیسم امریکا گسترش داد، طرح مجدداً بر روی میز قرار گرفت.

بر اساس آن طرح امریکائی ها پیشنهاد داشتند تا افغانستان به سه قسمت تقسیم شود، آن بخش از افغانستان که زیر نفوذ طالب قرار داشت، به مثابه قلمرو طالب، شناسائی شود؛ بخش هائی از افغانستان که اکثریت ساکنان آن را اقوام غیر پشتون از جمله تاجیک ها، ازبیک ها و هزاره ها می سازند و در رسانه ها "خراسان" زیاد می گویند، به حیث قلمرو "اتحاد شمال" به رسمیت شناخته شود؛ شهر کابل با وسعت بیشتری به "کرزی" سپرده شود.

حامل پیام این طرح برای طالب که آنزمان در رأس آنها "ملا محمد عمر" قرار داشت و "حامدکرزی"، دو تن از جواسیس کارکنته امپریالیسم امریکا یعنی "خلیلزاد" و "جلیلی" بود در حالی که پیام به "اتحاد شمال" با وساطت روسها به "تقسیم فہیم" که آن زمان "کلان" و "همه کاره" اتحاد شمال به شمار می رفت، انتقال یافت.

پیام علی رغم آن که از جانب "کرزی" و "فهیم" نیز رسماً و علناً پذیرفته نشد، مگر مخالفت جدی نیز علیه آن انجام ندادند، در حالی که "ملا محمد عمر" با قاطعیت این پلان را رد نموده، به گفته طرفدرانش گویا گفته بود، " من حاضر هستم کشته شوم، مگر ننگ تجزیه افغانستان را برای اولادم به میراث نگذارم"

هموطنان گرامی!

آنچه امروز در افغانستان می گذرد، می بینیم که عملی ساختن همان طرح گویا مرده است. زیرا وقتی امپریالیسم امریکا با طالب در قطر توافقنامه امضاء می نماید و نه تنها جغرافیای معینی را در تحت حاکمیت و سلطه آنها به رسمیت می شناسد و تعهد می سپارد که بر آن جغرافیا حمله ننماید، بلکه صدور پاسپورت و ویزا را نیز که مطلقاً به معنای به رسمیت شناختن حاکمیت سیاسی یک نهاد و از حقوق دولتها به شمار می رود، برای آنها قابل می گردد و از جانب دیگر با گوشه چشمی "عبدالله عبدالمود" را نیز چراغ سبز نشان می دهد تا ضلع دیگر آن مثلث شوم را بسازد، اگر به جای "غنی احمدزی" یک انسانی در رأس حاکمیت قرار می داشت که حداقل بوئی از وجدان و شرافت آنهم در حد "ملا عمر" برده می بود، می بایست نه تنها به تمام برنامه "نه" می گفت، بلکه شجاعانه به طرف مردم آمده به آنها تمام پلان را افشاء و بدان طریق رقبایش را از میدان بیرون می نمود.

مگر وی علی رغم اطلاعاتی که از تمام برنامه داشت و علی رغم آن که می دانست به رسمیت شناختن توافقنامه بین طالب و امریکا در کل به ویژه به رسمیت شناختن جغرافیای تحت حاکمیت طالب آنهم تا سرحد اعطای ویزه و پاسپورت چیزی جز صحه گذاشتن بر برنامه تجزیه افغانستان نمی باشد، باز هم صرف جهت دوام حاکمیت فردی خودش، با قبول موافقتنامه طالب و امریکا و بر مبنای آن رها کردن ۵۰۰۰ زندانی جنایتکار طالب، به چنان معامله ننگینی تن داد که قبلاً "کرزی" نیز تن نداده بود.

هموطنان گرامی!

به همان سان که جانشین "ملا عمر" یعنی "ملا هیبت الله" با پذیرش تجزیه افغانستان بزرگترین خیانت دوران حیاتش را انجام داد و در تاریخ از "ملا عمر" هم جایگاه پائینتری را صاحب شد، "غنی احمدزی" و "عبدالمود" هم در خیانت پیشگی از "کرزی" و "فهیم" پیشی گرفته، آنها نیز به خیانت ملی دست یازیدند.

ادامه دارد.